

تحوّلات غزه از دیدگاه حقوق بین الملل بشر دوستانه

حمید رضا دهقانی^۱

چکیده

حقوق بین الملل بشر دوستانه^۲ یا حقوق مخاصمات مسلحانه و حقوق جنگ یکی از شاخه‌های حقوق بین الملل است و بدنبال آن است که دولت‌ها را در زمان بروز جنگ در به کارگیری و انتخاب روشها و سلاحهای جنگی محدود کند و آنها را موظف می‌کند از آن دسته از روشها و سلاحهای جنگی استفاده کنند که رنج زاید و غیر انسانی ایجاد نکند؛ دوم اینکه، از حیات، سلامت و کرامت انسانهایی که در درگیری مشارکت نکرده یا به مشارکت خود در درگیری پایان داده‌اند، حمایت کند؛ این اشخاص شامل غیر نظامیان، اسیران جنگی، مجروحان و بیماران می‌شوند.^۳ حقوق بشر دوستانه رفته رفته از موضوع قربانیان مربوط به جنگها و اقدامات غیرقانونی در جنگها، استفاده از سلاحهای غیرمتعارف اعم از اتمی - میکروبی - شیمیایی - رفتار غیر انسانی با اسراء و مجروحان و مصدومان در جنگها، به تلاشهای انسان دوستانه در کوران حوادث و سوانح طبیعی و غیر طبیعی و دهها مورد دیگر در حال تسری است؛ اگر چه ممکن است همه این موارد تحت عنوان حقوق بشر دوستانه تلقی نشود. این حقوق در ابتدا از دو شاخه جداگانه تشکیل شده بود: اول مجموعه مقرراتی که عموماً در شهر لاهه تنظیم شدند و به حقوق لاهه شناخته می‌شوند و هدفشان این بود که دولت‌ها را در انتخاب روشها و سلاحهای جنگی محدود کنند و دوم مجموعه مقرراتی که عموماً در شهر ژنو تنظیم شدند و به حقوق ژنو شناخته می‌شوند و هدفشان حمایت از افرادی بود که در درگیریهای مسلحانه شرکت نکرده یا به مشارکت خود در درگیریها پایان داده‌اند. مهمترین این اسناد، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ هستند و معاهدات مصوب ۱۸۹۹ و ۱۹۰۸ لاهه هستند. البته با تدوین پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیونهای چهارگانه ژنو در سال ۱۹۷۷ که همزمان هر دو گونه مقررات را در خود جای دادند، این تفکیک از میان رفت. در مقاله حاضر، عملکرد اسراییل با توجه به معیارهای حقوق بین الملل بشر دوستانه مورد تحلیل و ارزیابی واقع شده است، این معیارها مورد بی‌اعتنایی آشکار مقامات اسراییل قرار گرفته‌اند، همچنان که فلسطینی‌ها نتوانسته‌اند از حقوق طبیعی خود از جمله حق تعیین سرنوشت^۴ و حق آزادی و امنیت شخصی به شکلی مناسب برخوردار شوند. از این دید، با استناد به بعضی از اصول مورد پذیرش جامعه جهانی از قبیل «مداخله بشر دوستانه» و در پرتو مفاهیمی چون «جنایت بین المللی» می‌توان برای تضمین حقوق فلسطینی‌ها و جلوگیری از اقدامات خشونت آمیز اسراییل راهکاری مناسب یافت.

مروری بر تحولات غزه:

نوار غزه، باریکه‌ای است در طول سواحل مدیترانه میان اسرائیل و مصر که ۴۰ کیلومتر طول و ۱۰ کیلومتر عرض دارد. غزه ۳۶۰ کیلومتر مربع مساحت دارد و یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در آن سکونت دارند. مرز زمینی غزه ۶۲ کیلومتر است که ۱۱ کیلومتر آن با مصر و ۵۱ کیلومتر آن با سرزمین‌های تحت اشغال اسرائیل است. سواحل غزه هم‌اهمیت زیادی دارد. طول این سواحل ۴۰ کیلومتر است که بخش عمده آن به دلیل واقع شدن در منطقه شهرک‌های یهودی‌نشین برای فلسطینی‌ها قابل دسترسی نبود.^۵ در مواقع اعمال محدودیت‌های نظامی اسرائیل، منطقه‌ای ۲ کیلومتری از این سواحل، تنها راه ارتباطی شمال و جنوب غزه برای فلسطینی‌ها است. نوار غزه یکی از پر تراکم‌ترین نقاط جمعیتی جهان است و دارای بالاترین نرخ رشد جمعیت است. در سال ۱۹۴۸ پس از استیلای اسرائیل بر بخش اعظم فلسطین این منطقه به دلیل همجواری با مصر توسط این کشور اداره شد؛ همچنان که کرانه باختری رود اردن نیز توسط اردن اداره شد؛ این وضعیت ادامه یافت تا در جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل این منطقه به تصرف اسرائیل درآمد و تا به امروز همچنان تحت اشغال است. در اواسط دهه ۹۰ با امضای توافقنامه‌های صلح اسلو و توافقنامه‌های بعدی دولت خودگردان بر این منطقه مسلط شد و به تدریج حدود ۶۰ درصد از نوار غزه را در تصرف داشت؛ ولی علاوه بر نیروهای نظامی و امنیتی اسرائیلی، نزدیک به ۷ هزار و ۵۰۰ شهرک‌نشین اسرائیلی نیز در این منطقه ساکن بودند. اکثر فلسطینیان غزه از آوارگان و نسل‌بعدی آنها هستند که در جنگ ۱۹۴۸ از سرزمین‌های اشغال شده به غزه مهاجرت کردند و در حقوق بین‌الملل از آنها به آوارگان داخلی تعبیر می‌شود. بعد از اشغال غزه توسط اسرائیلی‌ها در سال ۱۹۶۷ شهرک‌نشینان یهودی وارد این منطقه شده و ساکن شدند. پس از سالها مذاکره و امضای توافقنامه‌های متعدد، سرانجام مذاکرات نهایی برای تعیین وضعیت دائمی غزه و کرانه باختری در سپتامبر سال ۱۹۹۹ آغاز شد و بدون نتیجه پایان یافت.^۶

خروج نیروهای نظامی اسرائیلی از درون غزه:

شارون در اوائل سال ۲۰۰۴ برنامه خروج یکجانبه از غزه را اعلام کرد و با این اقدام نه تنها اسرائیلی‌ها بلکه جامعه جهانی را حیرت زده کرد. «پدر شهرک‌نشینان» به دنبال برجیدن شهرک‌های صهیونیست‌نشین بود. شارون اهداف متعددی را در پوشش این طرح دنبال می‌کرد. او از یک طرف در صدد رهایی از بحران امنیتی در غزه و نیز کاهش فشارهای داخلی از جمله مشکلات اقتصادی اسرائیل بود و از سوی دیگر در صحنه بین‌المللی بعنوان مرد صلح معرفی می‌شد؛ نماینده اسرائیل در سازمان ملل با اشاره به این طرح اعلام کرد «انتقادهای سازمان ملل از اسرائیل محدود و غزه دیگر در حوزه مسئولیت اسرائیل نخواهد بود. این طرح علیرغم مخالفت‌های داخلی بویژه از سوی تندروهای لیکود و احزاب دینی، با اصرار شارون در اکتبر ۲۰۰۴ با ۶۶ رأی مثبت از مجموع ۱۲۰ رأی به تصویب رسید، پارلمان رژیم صهیونیستی همچنین بودجه سال ۲۰۰۵ رژیم صهیونیستی را هم که یکی دیگر از موانع پیش‌روی اجرای طرح عقب‌نشینی یکجانبه بود، تصویب کرد. عقب‌نشینی از نوار غزه که در آن ۷۵۰۰ شهرک‌نشین زندگی می‌کردند و حمایت و حراست از آنان هزینه‌های سنگین مالی و انسانی را بر دوش اسرائیل گذاشته بود، زمینه را برای بقای این رژیم در کرانه باختری که بیش از ۲۲۰ هزار صهیونیست در آن اسکان یافته‌اند، فراهم می‌کرد. سرانجام در ۲۵ آگوست ۲۰۰۵ نیروهای اسرائیلی پس از ۳۸ سال اشغالگری از غزه خارج شدند و اداره داخلی این منطقه را به فلسطینی‌ها سپردند. پی‌سکنه مغزی آریل شارون نخست‌وزیر، وی از صحنه سیاسی خارج شد و در انتخابات زودرس پارلمانی حزب نوپای وی کادیم‌ها به پیروزی نسبی دست یافت و ایهود اولمرت نخست‌وزیر شد.^۷

پیروزی حماس در انتخابات شورای قانونگذاری:

حماس اگر چه در انتخابات ریاست دولت خودگردان شرکت نکرد، اما آمادگی خود را برای شرکت در انتخابات پارلمان و شوراهای محلی اعلام

نمود و در ۲۵ ژانویه ۲۰۰۵ نامزدهای منسوب به حماس موفق به کسب ۷۴ کرسی از مجموع ۱۳۲ کرسی پارلمان شدند و جنبش فتح موفق به کسب ۴۵ کرسی گردید. حماس از بدو تأسیس تا قبل از پیروزی در انتخابات پارلمانی مهمترین مخالف وضع موجود در اراضی اشغالی بود؛ ولی با پیروزی غیرمنتظره در انتخابات، نقش حماس تغییر کرد و به نیروی سیاسی که وظیفه تشکیل دولت، سامان بخشی به اوضاع نابسامان داخلی فلسطین، پایبندی به شعارها و عمل به تعهدات در خصوص مبارزه با ناکارآمدی عناصر دولت گذشته، فساد و رشوه خواری را بر عهده دارد، تبدیل شد. موقعیت حماس بیش از آنکه به اهداف، اصول و مبانی فکری اعلام شده حماس در ۱۹۸۷ (لزوم نابودی اسرائیل و نامشروع دانستن دولت یهود) مربوط باشد، نوعی واکنش افکار عمومی فلسطین به نارسایی های موجود، افزایش فقر و نهادینه شدن فساد مالی در تشکیلات دولت خودگردان بود. غرب در واکنشی عجولانه، ضمن تجلیل از برگزاری آزاد انتخابات، موضعی در مخالفت با جناح پیروز انتخابات اتخاذ نمود و ضمن تهدید به قطع کمک های مالی به دولت خودگردان از حماس خواست نسبت به شناسایی اسرائیل، پایبندی به تعهدات دولت خودگردان و دوری جستن از خشونت اقدام کند. ایالات متحده، در واکنش به پیروزی حماس موضعی همراه با نگرانی و لزوم خلع سلاح حماس اتخاذ کرد و بر تروریست بودن آن تأکید نمود.^۸

توافقنامه گذرگاه ها:

نوار غزه دارای ۶ گذرگاه است که دو گذرگاه اریز و رفح که اولی نوار غزه را به فلسطین اشغالی و دومی نوار غزه را به مصر متصل می کند، از همه مهمتر هستند.^۹ گذرگاه بیت حانون یا «اریز» معبر اصلی میان غزه و سرزمین های اشغالی است. از سال ۲۰۰۰ فلسطینی ها اجازه ندارند از طریق هواپیما یا قایق غزه را ترک کنند. بنابراین این گذرگاه به همراه گذرگاه رفح که به مصر می رود، تنها راههای ورود و خروج برای فلسطینی ها به غزه هستند. اسرائیلی ها هر چند وقت یک بار به بهانه حملات مبارزان فلسطینی، این گذرگاه را برای مدت

طولانی مسدود می کنند. پیش از شروع انتفاضه در سال ۲۰۰۰، دهها هزار فلسطینی روزانه از این گذرگاه عبور می کردند و برای کار به سرزمین های اشغالی می رفتند. اما این رفت و آمدها اکنون کاملاً محدود شده است. گذرگاه رفح از دیگر مناطق مهم غزه است که در مرز مصر واقع شده و یک شهر و یک اردوگاه آوارگان را در خود جا داده است. تا سال ۱۹۶۷ این منطقه به شهر رفح در مصر متصل بود اما بعد از اشغال اسرائیل این دو تکه از هم جدا شدند.^{۱۰} حریم هوایی و دریایی نوار غزه هم تحت کنترل رژیم صهیونیستی است و فلسطینی ها فقط در محدوده ای کوچک اجازه ماهیگیری را دارند و تنها فرودگاه غزه توسط اسرائیل ویران شده است.^{۱۱} گذرگاه رفح نیز که تنها معبر مسافرت و راه دسترسی ساکنان نوار غزه به کشور مصر و جهان خارج است از ژوئن سال ۲۰۰۷ بسته شده است. چرا که علی رغم عقب نشینی رژیم صهیونیستی از نوار غزه در سال ۲۰۰۵، کنترل این گذرگاه به طور مشترک به عهده مأموران این رژیم و هیأت ناظر اروپایی و فلسطینی ها است. حکومت خودگردان و رژیم صهیونیستی بعنوان جزئی از توافقات بین طرفین، در سال ۱۹۹۴ دفاتر هماهنگی نظامی و غیر نظامی مشترکی را در سرزمین های اشغالی افتتاح کردند؛ این همکاری ادامه داشت تا سپتامبر ۲۰۰۰ که بخش زیادی از آن متوقف شد ولی پس از مرگ عرفات این روند از سر گرفته شد؛ با پیروزی حماس در انتخابات شورای قانونگذاری در ژانویه ۲۰۰۶، مجدداً این همکاری محدود شد. در ۲۰۰۶/۳/۲۴ محمود عباس هیأت ویژه ای را برای اشراف بر گذرگاه ها انتخاب کرد.^{۱۲} به دنبال عقب نشینی رژیم صهیونیستی از نوار غزه در سال ۲۰۰۵، تشکیلات خودگردان برای بازگشایی گذرگاه رفح، توافقنامه ای را با اسرائیل به امضا رساند؛ این گذرگاه از زمان پیروزی جنبش حماس در انتخابات پارلمانی فلسطین به طور نیمه بسته باقی ماند تا اینکه به دنبال اجرای طرح ضربتی حماس در غزه در هفدهم ژوئن ۲۰۰۷، بطور کامل بسته شد. برای باز شدن گذرگاه، اسرائیلی ها حماس و دولت اسماعیل هنیه را نمی پذیرند و آمریکا و اروپا و برخی از

مشارکت سیاسی فتح و حماس طبق اصول همیشگی در حکومت فلسطین بر اساس نظام چند حزبی سیاسی. حماس و فتح برای جبران بی‌اعتمادی، پست‌های کلیدی کابینه را به شخصیت‌های مستقل و میان‌هرو سپردند. در تقسیم قدرتی که بین دو طرف صورت گرفت، وزارت خارجه به زیاد ابو عمرو، وزارت دارایی به سلام فیاض، وزارت اطلاع‌رسانی به مصطفی برغوثی و وزارت کشور به هانی القواسمی رسید.^{۱۴}

شکست توافق مکه:

همچنان که انتظار می‌رفت دولتی که پس از چند دور درگیری مسلحانه و صرف تلاش‌های طاقت‌فرسای دیپلماتیک در فلسطین تشکیل شده بود، فرو ریخت. دیدگاه‌های سیاسی و ایدئولوژیک حماس و فتح در واقع چنان از هم فاصله داشت که از همان ابتدا آمیدی به همزیستی مسالمت‌آمیز آنها در چارچوب دولتی مشترک نمی‌رفت. رهبران حماس و فتح برای اجتناب از برادر کشی و بیشتر تحت فشار دولتهای عربی، چند ماه قبل از آن در شهر مکه گردهم آمده بودند و تفاهمنامه‌ای را برای تشکیل دولت وحدت ملی امضا کرده بودند. قواسمی از همان ابتدا دریافت که وزارتخانه تحت رهبری او تشریفاتی است و حماس و فتح هیچ‌کدام علاقه‌ای ندارند که کنترل نیروهای نظامی و شبه نظامی وابسته به خود را به وزارت کشور بسپارند و لذا از مقام خود کناره‌گیری کرد. با استعفای قواسمی نیروهای تحت امر فتح و حماس پس از چند ماه آتش‌بس، بار دیگر تعرض به مواضع یکدیگر را آغاز کردند و آتش‌بس اعلام شده از سوی محمود عباس و اسماعیل هنیه را نادیده گرفتند.^{۱۵}

تسلط حماس بر غزه:

در پی درگیری بین نیروهای فتح و حماس، سرانجام نیروهای حماس، دفاتر و پایگاه‌های وابسته به فتح و رئیس دولت خودگردان در نوار غزه را به کنترل خود درآوردند. محمود عباس اقدام حماس را «کودتا» نامید و ضمن اعلام حالت فوق‌العاده، دولت وحدت ملی هنیه را منحل اعلام کرد و سلام فیاض را مأمور تشکیل دولت

کشورهای عربی را با خود به همراه دارند ولی حماس و دولت اسماعیل هنیه و برخی گروه‌های فلسطینی طرفدار حماس حاضر به بازگشت به توافقنامه گذرگاه‌ها در سال ۲۰۰۵ نیستند و معتقدند اولاً این توافق به تصویب شورای قانونگذاری فلسطین نرسیده و ثانیاً برای یک سال موقتی بوده و یک بار بیشتر تمدید نشده و از همه مهمتر در این توافق که در مورد گذرگاه رفح که در مرز بین مصر و فلسطین است، اسرائیل نباید مستقیم یا غیر مستقیم دخالتی بکند و لذا حاضر به پذیرش مجدد آن نیستند. محمد عابد مشاور حقوقی اسماعیل هنیه نخست‌وزیر دولت منتخب فلسطین تأکید کرد توافقنامه گذرگاه رفح، تازمانی که رأی مجلس را به دست نیاورده برای ملت فلسطین الزام‌آور نیست. آنچه درباره گذرگاه رفح صورت گرفته، تفاهمنامه است نه قرارداد و اگر عده‌ای آن را قرارداد می‌نامند تاکنون به مجلس قانونگذاری فلسطین ارائه نگشته و رأی نمایندگان ملت را به دست نیاورده است. هرگونه قرارداد یا توافقنامه جدید درباره گذرگاه‌ها می‌بایست بین دولت منتخب فلسطین و دولت مصر امضا شود مانند توافقنامه‌ای که دولت مصر در سال ۱۹۰۵ با دولت عثمانی در اراضی فلسطین امضا کرد نه توافقنامه ۲۵ نوامبر سال ۲۰۰۵ که میان تشکیلات خودگردان و رژیم صهیونیستی امضا شده است و برای طرف سوم که مصر باشد الزام‌آور نیست ضمن آنکه علاوه بر مقید شدن این توافقنامه به فرصت یک ساله مقرر شده بود که هر شش ماه یک بار تمدید گردد اما هیچگاه تمدید نشده است.^{۱۳}

اختلاف بین حماس و فتح و توافق مکه:

پس از درگیری‌ها و کشمکش‌های فراوان، حماس و فتح سرانجام با تشکیل دولت وحدت ملی و تلاش برای اصلاح سازمان آزادی بخش فلسطین موافقت کردند، این توافق در شهر مکه صورت گرفت و شامل چهار بند بود: ۱- تحریم ریختن خون فلسطینی‌ها و تکیه بر گفتگو بعنوان تنها راه حل. ۲- تشکیل دولت وحدت ملی و تسریع اتخاذ اقدامات قانونی در این زمینه. ۳- اصلاح سازمان آزادی بخش فلسطین و تسریع در فعالیتهای کمیته مقدماتی با استناد به توافق قاهره و دمشق. ۴-

دلایل رژیم صهیونیستی در عدم پذیرش

عنوان «اشغالی»:

رژیم صهیونیستی بلافاصله پس از اشغال این سرزمین در جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷ نسبت به اعمال کنوانسیون در اراضی اشغالی تأکید کرد ولی پس از مدتی از این نظر بازگشت و در اکتبر همان سال اعلام کرد کنوانسیون امکان اعمال دو ژوره بر کرانه باختری رود اردن و نوار غزه را ندارد. ادعای اسراییلی‌ها آن است که مفاد این کنوانسیون در غزه قابل اعمال نیست.^{۲۲} رژیم صهیونیستی با عدم پذیرش عنوان «اشغالی» برای این اراضی بدنبال آن است تا از تعهدات کیان اشغالگر فرار کند. این دلایل به شرح زیر است:

● سرزمین موعود:

اسراییلی‌ها در ادامه ادعاهای خود معتقدند سرزمین‌های فلسطینی، سرزمین موعود آنان است و لذا این سرزمین‌ها را آزاد کرده‌اند و نه اشغال و نامیدن کرانه باختری به «یهودا و سامره» ناشی از این ادعا است.^{۲۳} در این مورد حقوق‌دانان معتقدند اولاً قطعنامه‌های متعدد مراجع مختلف بین‌المللی که در آن بر اشغالی بودن سرزمین‌ها تأکید دارد، باطل بودن این ادعا را ثابت می‌کند؛ ثانیاً مقررات کنوانسیون‌های ژنو فراتر از دلایل درگیری و انگیزه‌های طرفین در جنگ است. کنوانسیون ژنو قواعدی را در مورد رفتار با غیر نظامیان و... وضع کرده و بکارگیری سلاح‌هایی را در جنگها منع کرده است و این امر صرف نظر از دلایل طرفین برای جنگ است.^{۲۴}

● سرزمین مورد اختلاف:

اسراییلی‌ها در ادعای دیگر، غزه و سایر اراضی فلسطینی را سرزمین‌های مورد اختلاف می‌دانند.^{۲۵} مناخم بگین در مذاکرات خود با انور سادات به این دلیل استناد اشاره کرد ولی طرف عربی نپذیرفت؛ پس از آن بدنبال آن بودند که طرف مصری را به این امر راضی کنند که ادعای اسراییلی‌ها مساوی ادعای اردنی‌ها و مصری‌ها است.^{۲۶} روشن است همچنان که در بند قبلی اشاره شد، دلایل و انگیزه‌های طرفین نمی‌تواند مانع

نجات ملی کرد. آمریکا و فرانسه از تصمیم محمود عباس برای انحلال دولت و وحدت ملی حمایت کردند و آنرا اقدامی قانونی دانستند و اغلب کشورهای جهان از جمله اتحادیه عرب از موضع‌گیری آمریکا و فرانسه تبعیت کردند. تسلط یافتن جنبش حماس بر نوار غزه موجب تحریم گسترده این منطقه از سوی رژیم صهیونیستی و بستن گذرگاه‌های مرزی آن شد. مرکز آمار فلسطین اعلام کرده ۸۴ درصد خانواده‌های ساکن نوار غزه زیر خط فقر به سر می‌برند، ۵۳ درصد از این خانواده‌ها به دلیل ناتوانی تشکیلات خودگردان فلسطین در پرداخت دستمزدهای کارکنان بخش عمومی بیش از نیمی از درآمد خود را در طول سال گذشته از دست داده‌اند. طبق برآورد بانک جهانی ۷۱ درصد کارکنان بخش عمومی به دلیل عدم دریافت دستمزدهای خود به زیر خط فقر رفته‌اند و ۴۶ درصد آنها غذای کافی برای سیر کردن خود را ندارند. این در حالی است که حمایت حامیان مالی خارجی فلسطین موجب شده میزان فقر مردم نوار غزه تا مارس ۲۰۰۶، ۳۰ درصد کاهش یابد. ولی از زمان تسلط جنبش حماس بر نوار غزه در نیمه ژوئن سال ۲۰۰۷ این حمایت‌های مالی قطع یافت.^{۱۶}

رژیم صهیونیستی، رژیم اشغالگر و غزه

سرزمین تحت اشغال:

بر اساس معیارهای حقوق بین‌الملل، رژیم صهیونیستی، «اشغالگر» به حساب می‌آید؛^{۱۷} این موضوع توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد^{۱۸} و دیوان بین‌المللی دادگستری مورد تأکید قرار گرفته است.^{۱۹} دادگاه عالی اسراییل نیز این موضوع را به رسمیت می‌شناسد.^{۲۰} صهیونیست‌ها با استناد به دلایل نژادی و توسل به تفسیرهای غیر حقوقی همواره بدنبال آن بوده‌اند تا با به رسمیت نشناختن سرزمین‌های اشغالی فلسطین بعنوان «سرزمین اشغالی»، از تعهدات خود بر طبق قواعد حقوق بین‌المللی بشر دوستانه شانه خالی کنند. در ادامه به برخی از این دلایل اشاره می‌شود.^{۲۱}

اعمال قواعد حقوق بین الملل بشر دوستانه شود.

● عدم مشروعیت حاکمیت قبلی :

یکی دیگر از دلایل اسراییلی ها برای فرار از تعهدات حقوق بین الملل بشر دوستانه، استناد به نظریه موسوم به «از دست دادن حق رجوع»^{۲۷} بوده است. این استدلال ابتدا از سوی یهودا بلوم یکی از اساتید دانشگاه هبرو اعلام شد ولی جز چند اسراییلی در جهان مورد پذیرش واقع نشد. مبنای این استدلال آن است که ماده ۲ مشترک کنوانسیون ها از دولتهای متعاقد سخن گفته و هدف از اعمال کنوانسیون حمایت از حقوق حاکم مشروع خلع بد شده است ولی مصر و اردن حاکمان مشروعی پیش از ۱۹۶۷ نبودند و لذا نمی تواند این کنوانسیون در این سرزمین ها اعمال شود. آنها در تفسیر منحصر به فرد خود، عدم اجرای مفاد کنوانسیون های ژنو را به عدم مشروعیت حاکمیت قبلی این مناطق نسبت داده اند. روشن است که مقررات کنوانسیون چهارم ژنو مصوب ۱۲ اگوست ۱۹۴۹ بر حمایت از مردم تحت اشغال تأکید دارد و نه حاکمیت شکست خورده و حاکمان آن و بنابر این استناد به عدم مشروعیت حاکمان قبلی توجیه مناسب و حقوقی برای اعمال رژیم صهیونیستی نیست. به عبارت دیگر حاکمیت در مفهوم اشغال مسلحانه در سرزمین اشغال شده از آن مردم است.^{۲۸} در طول سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷ کشورهای مصر و اردن نیز نوار غزه و کرانه باختری رود اردن را به اشغال در آورده و تصرف این سرزمین ها هر چند با مجوز اتحادیه عرب نیز باشد، مانع از اعمال قواعد حقوق بین الملل بشر دوستانه توسط آن کشورها و با هر متصرف بعدی نمی شود.^{۲۹}

● جنگ و تصرف دفاعی :

تصرف دفاعی یا جنگ دفاعی، یکی دیگر از دلایل رژیم صهیونیستی برای سر باز زدن از وظایف و تعهدات کنوانسیون های بین المللی است و مبنای دیگر نظریه از دست دادن حق رجوع بود. نظریه پردازان اسراییلی اعلام کردند، تصرف این سرزمین ها در اثر جنگی دفاعی صورت گرفته و اقدام اسراییل «تصرف دفاعی»^{۳۰}

محسوب می شود؛ و لذا این رژیم را نمی توان اشغالگر نامید و در نتیجه کنوانسیون قابل اعمال نیست. این استدلال ها نه تنها در بیرون اسراییل بلکه حتی در درون اسراییل هم پذیرش نداشته است؛^{۳۱} از جمله می توان به رد این استدلال توسط پدram دنیستین استاد دانشگاه تل آویو اشاره کرد؛ همچنان که پروفیسور توماس مایسون استاد دانشگاه جورج واشنگتن در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ در مخالفتی پر سر و صدا به رد این نظریه پرداخت.^{۳۲}

● عدم تصویب قوانین داخلی :

استناد به عدم تصویب قوانین داخلی و «خود اجرایی»^{۳۳} نبودن کنوانسیون ها یکی دیگر از دلایل اسراییلی ها برای فرار از اجرای مفاد کنوانسیون های ژنو بوده است. در حالی که اولاً به اعتقاد بسیاری از حقوق دانان این قواعد عرفی است و دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارش ماه مه ۱۹۹۳ خود در مورد دادگاه بین المللی کیفری یوگسلاوی سابق حقوق مندرج در کنوانسیون های ژنو را بخشی از حقوق بین الملل عرفی آورده است. و ثانیاً ماده ۲۷ کنوانسیون وین، عدم اجرای تعهدات توسط يك طرف معاهده به دلیل عدم تصویب قوانین داخلی و یا سایر موانع را مردود می شمارد. استناد به عدم تصویب قوانین داخلی و خود اجرایی نبودن کنوانسیون چهارم که رژیم صهیونیستی در ۱۹۵۱/۷/۶ بدان پیوسته است و آمره بودن قواعد آن بر طبق تعریفی که ماده ۵۳ معاهده وین از اینگونه معاهدات بین المللی دارد نمی تواند دلایل مناسبی برای اقدامات رژیم صهیونیستی در این مناطق باشند.^{۳۴}

● توافقنامه های صلح :

رژیم صهیونیستی سعی دارد با استناد به توافقنامه های صلح اسلواژ تعهدات خود بر طبق کنوانسیون های ژنو در مورد این مناطق سر باز زند.^{۳۵} در حالی که توافقنامه های فوق نمی تواند مانع از اعمال مقررات حقوق بین المللی بشر دوستانه شود؛^{۳۶} و در صورت وجود تعارض بین این مقررات و توافقنامه ها بر طبق ماده ۵۳ معاهده وین ۱۹۶۹ هر توافق بعمل آمده

● بازگشایی گذرگاه رفح:

در ۲۳ ژانویه ۲۰۰۸ مردم غزه که بر اثر بسته شدن تمامی گذرگاه‌ها به ستوه آمده بودند با حمله به دیوار مرزی در غزه و ویران کردن آن به آن سوی مرز رفتند و مایحتاج خود را تأمین کردند؛ در طول روزهای محدودی که این مرز باز بود نزدیک ۷۵۰۰۰۰ نفر از مردم غزه به رفح مصری رفتند و توانستند تا حدودی نیازهای خود را تأمین کنند.^{۴۴} این تحول ممکن است این تردید را برانگیزد که صفت اشغالی بودن نوار غزه از بین رفته است؛ مسؤؤلان اسرائیلی از این فرصت استفاده کردند و غزه را مسؤؤلیتی مصری نامیدند؛^{۴۵} صرف نظر از نادرست بودن این ادعا، حقوقدانان جهان چنین برداشتی را صحیح نمی‌دانند و غزه را همچنان اشغالی دانسته و اسرائیل را مسؤؤل اعمال قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در آن می‌شناسند.^{۴۶}

● دفاع مشروع:

مقابله با شلیک موشک به شهرک‌های صهیونیست‌نشین و دفاع از نفس بعنوان دلیل حملات و رفتار رژیم صهیونیستی اعلام شده است.^{۴۷} استدلال اسرائیل در دفاع از نفس و تأیید این اظهارات توسط جورج بوش از حیث حقوقی باطل و فاقد ارزش است؛ دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی خود در مورد دیوار حایل ادعای اسرائیل در این مورد را باطل اعلام کرد و افزود با وجود کنترل مؤثر بر سرزمین اشغالی امکان استناد به دفاع از نفس وجود ندارد.^{۴۸} از سوی دیگر کمیسیون حقوق بین‌الملل در پیش‌نویس سال ۱۹۸۰ خویش راجع به مسؤؤلیت و هم‌دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوا اظهار داشته‌اند که دفاع مشروع تنها علیه یک دولت قابل اعمال است و نه علیه بازیگران غیر دولتی. دیوان در این قضیه به‌طور خاص به این مطلب نپرداخت، اما شاختر بر این اعتقاد است که چنین استنباطی از رای دیوان، استنباطی صحیح خواهد بود. کمیسیون در شرح و تفسیر خویش بر پیش‌نویس طرح ۱۹۸۰ خود اظهار داشت که دفاع مشروع تنها علیه دولتی که به طریق غیر قانونی به زور متوسل شده قابل اعمال است. از این رو به اعتقاد

برخلاف قواعد آمره بین‌المللی باطل است.^{۴۹} در نوار غزه از دیدگاه حقوق بین‌الملل دولتی مستقر نیست و توافقنامه‌های صلح حداکثر خودمختاری محدودی را به ساکنان داده است و این امر مانع از وصف اشغالی بودن این سرزمین نیست. بر این اساس استناد به توافقنامه‌های صلح و یا خودمختاری، صفت اشغالی بودن این سرزمین‌ها را سلب نمی‌کند؛ و توجیه مناسبی برای مجازات دستجمعی اعمال شده از سوی رژیم صهیونیستی محسوب نمی‌شود و بر طبق قواعد کنوانسیون‌ها ۱۹۰۷ لاهه و ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های ۱۹۷۷ اقدامات رژیم صهیونیستی نقض مقررات فوق محسوب می‌شود.^{۴۸}

● عقب‌نشینی یکجانبه از غزه:

رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۵ و تحت فشار به صورت یکجانبه از غزه عقب‌نشینی کرد. اسرائیلی‌ها بدنبال آن هستند با این اقدام از مسؤؤلیت‌های خود بر طبق حقوق بین‌الملل شانه خالی کنند؛ در حالی که عقب‌نشینی یکجانبه^{۴۹} و استمرار مداخله و هجوم و در دست داشتن امنیت و محاصره هوایی و دریایی و زمینی غزه مانع از منتفی شدن مسؤؤلیت این رژیم در برابر ساکنان آن است؛ جدای از آنکه رفتار رژیم صهیونیستی نسبت به مردم غزه فی‌نفسه موضوعیت داشته و نقض قواعد حقوق بین‌المللی بشردوستانه محسوب می‌شود. نماینده اسرائیل در سازمان ملل پس از عقب‌نشینی یکجانبه گفته است، «انتقادهای این سازمان از اسرائیل دیگر کم می‌شود.» و غزه دیگر در حوزه مسؤؤلیت اسرائیل نیست.^{۴۰} حقوق بین‌الملل این نظر را نمی‌پذیرد.^{۴۱} نوار غزه بر اساس معیارهای حقوق بین‌الملل اشغالی است و «کنترل مؤثر»^{۴۲} بعنوان مبنایی که در دادگاه نورنبرگ در سال ۱۹۴۶ بعنوان معیار اشغالی بودن سرزمین مورد توجه واقع شد، یکی از این دلایل است. اسرائیل علی‌رغم عقب‌نشینی، از داخل غزه همچنان از زمین، هوا و دریا دارای کنترل مؤثر بر نوار غزه است.^{۴۳}

دفاع مشروع برای استناد به ضرورت نیز لازم است. این دفاع تنها وقتی قابل استناد است که يك خطر شديد و قريب الوقوع وجود دارد و توسل به زور تنها شیوه مقابله با این خطر است. چنین خطری نمی تواند صرفاً احتمالی یا خیالی باشد بلکه باید بر مبنای شواهد معقول موجود، در زمان تصمیم قابل اثبات باشد. منافی که قرار است مورد حمایت قرار گیرد نه تنها باید از منظر دولت اقدام کننده بلکه بر اساس ارزیابی معقول منافع گوناگون، خواه جمعی یا فردی، بر دیگر ملاحظات اولویت داشته باشد.^{۵۱}

● نوار غزه؛ «کیان دشمن»:

رژیم صهیونیستی در اقدامی تازه در ۲۰/۹/۲۰۰۷، نوار غزه را «کیان دشمن» خواند.^{۵۲} این اصطلاح در حقوق و روابط بین الملل وجود ندارد. خانم رایس وزیر خارجه آمریکا در اقدامی هماهنگ حماس را دشمن خواند: فرار از توصیف «دولت» برای دولت حماس در غزه این رژیم را به «کیان دشمن» خواندن غزه سوق داد.^{۵۳} معنای این واژه آن است که ۱/۵ میلیون فلسطینی ساکن غزه دشمن اسراییل هستند و این رژیم می تواند هر اقدام خصمانه‌ای را بر علیه آنها به عمل آورد،^{۵۴} در حالی که صرف نظر از نادرست بودن آن، این گونه توصیفات کمترین حقی را برای به کار برنده آن ایجاد نمی کند.^{۵۵} عبدالله اشعل استاد حقوق بین الملل و معاون وزیر خارجه مصر و میلود المهدبی استاد حقوق بین الملل عبارت سرزمین دشمن را خزعبلاتی می دانند که فاقد وصف قانونی در حقوق بین الملل است. در حقوق بین الملل ممکن است، دولتی اعلام نماید با دولت دیگری در حال جنگ است و دولت دوم را دولت دشمن معرفی کند ولی اینکه سرزمینی، که اتفاقاً تحت اشغال نیز هست، دشمن تلقی شود، اصطلاح بدیعی است که هیچگونه وجاهت قانونی ندارد.^{۵۶} از سوی دیگر این سرزمین جزئی از سرزمین فلسطین است و هرگز این سرزمین از کرانه باختری جدا نشده است؛ قانون اساسی فلسطین بر این امر تأکید دارد. همچنین حاکمیت مصر بر غزه و اردن بر کرانه باختری در طول سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷، به جدایی این سرزمین منتهی نشد؛ بنابراین

شاختر، هم کمیسیون و هم دیوان رابطه‌ای میان عملیات فراسرزمینی علیه گروههای مسلح و اصل دفاع مشروع نمی بینند و هیچ دلیلی مبنی بر اینکه دولتها در آن زمان موضعی متفاوت اتخاذ کرده باشند، وجود ندارد. در نتیجه شاختر استدلال می کند که حدود قانونی دفاع مشروع در دو وضعیتی که تروریستها در قلمرو دولت دیگر فعالیت می کنند مانع توسل به زور است، یکی هنگامی که دولت آن کشور در حملات انجام شده از سوی تروریستها نقش عمده‌ای نداشته است و دیگری زمانی که يك تهدید شديد تروریستی هنوز به يك حمله مسلحانه در چارچوب ماده ۵۱ منشور تبدیل نشده است. این نقطه شروع استدلال شاختر است که می گوید، عذر ضرورت در این موارد قابل استناد است (و بایستی این چنین باشد). نظریه مشورتی دیوان در قضیه ساخت دیوار در خصوص این ادعا که ماده ۵۱ منشور ملل متحد اقدام نظامی دفاعی علیه بازیگران غیر دولتی را می پذیرد تردیدهایی ایجاد می کند. دیوان در بند ۱۳۹ رأی خویش اظهار داشت: ماده ۵۱ حق ذاتی دفاع مشروع را در موارد حمله مسلحانه «از سوی يك دولت علیه دولت دیگر» را می پذیرد. در عین حال دیوان در جمله بعد این موضع مطلق را با تفکیک وضعیت اسراییل / فلسطین از وضعیت افغانستان تعدیل کرد. با توجه به اشاره مختصر و ماهیتاً مبهم دیوان در این قضیه به دفاع مشروع به نظر می رسد که بپذیریم این آخرین حرف راجع به استناد به حق دفاع مشروع در مواجهه با بازیگران غیر دولتی نیست.^{۴۹}

● دفاع ضرورت و مبارزه با تروریسم:

یکی از دلایل اسراییل برای هجوم به غزه «دفاع ضرورت»^{۵۰} در مبارزه با تروریسم است. «دفاع ضرورت» در توسل به زور علیه تروریستها یا پایگاههای تروریستی مورد استناد قرار گرفته است. اگر دفاع مشروع بتواند عملیات نظامی علیه تروریستها و حامیان آنها را دربرگیرد در آن صورت نیازی به استناد به دفاع ضرورت نیست. دفاع ضرورت نکته سودمندی را به این چارچوب حقوقی نمی افزاید. کمیسیون حقوق بین الملل اظهار داشته که همان شرایط سخت و دقیق

چگونه بخشی از يك سرزمین دشمن و بخش دیگر آن غیر دشمن تلقی می‌شود؟^{۵۷}

حقوق مردم تحت اشغال:

رژیم حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، حقوق و مزایایی را برای فلسطینی‌ها و تکالیف و تعهداتی را برای اسرائیل به رسمیت می‌شناسد. بدون تردید از زمان اشغال سرزمینهای فلسطینی، قواعد متعدد حقوق بشر دوستانه بر وضعیت فعلی قابل اعمالند و بر این اساس دو دسته قواعد نه چندان مجزا، حقوق و مزایایی را برای فلسطینی‌ها و تعهدات و تکالیفی را برای اسرائیل در نظر می‌گیرند: دسته اول، قواعدی که به طور کلی در مورد سرزمینهای اشغالی کاربرد دارد؛ و قواعدی که بر منازعه مسلحانه حاکم است. قواعدی که در زمینه اشغال خصمانه، قابل اعمال تلقی می‌شود و به «حقوق اشغال»^{۵۸} اشتها دارد، به طور عمده در کنوانسیون چهارم ژنو مندرج است که علاوه بر تکالیف اشغالگر در مورد تهیه و تأمین امکانات رفاهی، بهداشتی و پزشکی حاوی ممنوعیتهای مهمی است که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود: آدم کشی عمدی، شکنجه یا رفتار خلاف انسانیت؛ نفی بلد یا انتقال غیرقانونی؛ توقیف غیرقانونی؛ محرومیت از حق دادرسی منظم و بی طرفانه؛ گروگان‌گیری؛ تخریب یا تصرف اموال بدون هیچ‌گونه ضرورت نظامی؛ ممنوعیت مجازات دسته جمعی، ایجاد ترس و تحویف، تروریسم غارت اموال و قصاص؛ انتقال اجباری دسته جمعی یا انفرادی و نقل مکان اشخاص مورد حمایت از اراضی اشغال شده؛ ممنوعیت انتقال یا نقل مکان قسمتی از نفوس کشور خود به اراضی اشغالی؛ و انهدام اموال منقول یا غیرمنقول شخصی، دولتی یا شرکتهای عمومی. علاوه بر آن، دولت‌ها موظفند آمران و مرتکبان اعمال ممنوعه در ماده ۱۴۷ را محاکمه کنند و به مجازات برسانند. الحاق سرزمین، تصرف و حاکمیت بر آن از طریق زور، نه تنها به دلیل غیرقانونی بودن ممنوع است، بلکه به طور خاص، بر اساس حقوق عرفی و مقررات حقوق قرار دادی، نامشروع است و سایر دولتها نیز از شناسایی این گونه ضمیمه کردن‌ها منع شده‌اند. در این راستا

می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ماده یازده معاهده عدم تجاوز ریودوژانیرو ۱۹۳۳؛ ماده یازده کنوانسیون اروپایی حقوق و تکالیف دولتها ۱۹۳۳؛ ماده ۵ (e) منشور سازمان دولتهای آمریکایی ۱۹۴۸؛ اعلامیه ۱۹۳۸ کنفرانس پان آمریکن در «لیما» راجع به عدم شناسایی الحاق سرزمین به دست آمده از طریق زور؛ قطعنامه روابط دوستانه ۲۴ اکتبر ۱۹۷۰ که در چارچوب اصل ممنوعیت توسل به زور اعلام می‌کند: «سرزمین هیچیک از دولتها نمی‌تواند هدف تصرف و الحاق از طریق تهدید یا استفاده از زور از سوی دولتی دیگر قرار گیرد»؛ ماده ۵۲ کنوانسیون حقوق معاهدات وین که بر اساس آن حتا الحاق سرزمین مبتنی بر معاهده نیز نامعتبر شناخته می‌شود؛ و قطعنامه تعریف تجاوز علاوه بر مقررات کلی فوق، نهادهای مختلف بین‌المللی نیز به طور خاص رفتار اسرائیل در تصرف و الحاق سرزمینهای فلسطینی‌ها را غیرقانونی اعلام کرده و خواستار بازگرداندن وضعیت سابق شده‌اند. از جمله، قطعنامه ۲۵۲ (۱۹۶۸) شورای امنیت است که «الحاق سرزمین از طریق نظامی را نامعتبر» اعلام کرده، بیان می‌کند: «همه اقدامات اجرایی و حقوقی اسرائیل، از جمله مصادره زمینها و اموال که از رهگذر آنها وضعیت حقوقی قدس تغییر می‌یابد، نامعتبر است.» و از اسرائیل می‌خواهد که «بی‌درنگ همه آن اقدامات را لغو کند و هرگونه فعالیت از این دست را متوقف سازد.» شورای امنیت در قطعنامه ۴۷۸ اعلام پایتختی قدس توسط اسرائیل را نقض حقوق بین‌المللی دانسته و بر اعمال مقررات کنوانسیون چهارم ژنو هیچ تأثیری نمی‌گذارد. شورای وزیران اتحادیه اروپایی نیز در سالهای ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ در اعلامیه‌های خود «اكتساب سرزمین از طریق زور را غیرقابل قبول می‌داند و حاکمیت اسرائیل بر آنها را نامشروع» اعلام می‌کند. بطور خلاصه می‌توان گفت بر اساس حقوق بین‌الملل، حقوق متعددی برای مردم تحت اشغال به رسمیت شناخته شده است. از جمله می‌توان به حق مقاومت و دفاع مشروع (ماده ۵۱ منشور ملل متحد) و همچنین حق تعیین سرنوشت و حق تضمین حقوق بشر اشاره کرد.^{۵۹}

مسئولیت نیروهای اشغالگر:

اسرائیل در برخورد با ساکنان و اتباع آن سرزمین، چه به طور کلی و چه در جریان اعاده و حفظ نظم و امنیت در برابر بروز ناآرامیها، از منظر استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر دوستانه دارای تکالیف و تعهداتی است که هیچ بهانه‌ای، عدول و سرپیچی از آنها را توجیه نمی‌کند و بر اساس آنها، نه تنها در برابر ساکنان بومی، بلکه در قبال جامعه بین‌المللی نیز پاسخگو محسوب می‌شود.^{۶۰} اسرائیل بعنوان کیان اشغالگر مسئولیت‌هایی بر طبق حقوق بین‌الملل دارد.^{۶۱} علاوه بر لزوم رفتار انسانی با کسانی که به طور مستقیم در جنگ شرکت نداشته و همچنین آن دسته از افرادی که سلاحهای خود را بر زمین گذاشته‌اند و یا به دلایلی قادر به ادامه جنگ نیستند، چهار دسته ممنوعیت کلی را برمی‌شمارد که عبارت است از: ممنوعیت لطمه به حیات یا تمامیت جسمانی؛ از جمله قتل با تمام اشکال آن، زخمی کردن، رفتار بی‌رحمانه، شکنجه و آزار، ممنوعیت گروگان‌گیری، ممنوعیت لطمه به حیثیت اشخاص و ممنوعیت اعدام و محکوم کردن افراد بدون حکم دادگاه صالح و جامع تضمینهای قضایی ملل متمدن. مقررات پروتکل اول الحاقی: ممنوعیت هر گونه عمل تلافی‌جویانه علیه افراد و اهداف مورد حمایت (ماده ۲۰)؛ لزوم انجام تفکیک بین غیر نظامیان و اهداف غیر نظامی از یک سو و اهداف نظامی و نظامیان از سوی دیگر در هنگام حمله (ماده ۴۱)؛ ممنوعیت تهدید یا به کارگیری خشونت‌هایی که هدف اصلی آنها اشاعه ترور و وحشت در میان غیر نظامیان است (ماده ۵۱)؛ ممنوعیت حملات غیر قابل تفکیک؛ از جمله هدف بمباران قرار دادن شهرها، روستاها و حملاتی که قاعده تناسب را نقض می‌کند؛ سپر قرار دادن غیر نظامیان (ماده ۵۱)؛ لزوم رعایت اصل تناسب در صورتی که فراتر از نتایج مورد انتظار نظامی باشد (ماده ۴۸)؛ ممنوعیت حمله به اماکن فرهنگی (بناهای تاریخی، آثار هنری، عبادتگاهها) (ماده ۵۳)؛ لزوم انجام احتیاطهای ممکن، هنگام حمله و دفاع به منظور ایراد کمترین صدمه و آسیب به غیر نظامیان (مواد ۵۷ و ۵۸)؛ مصونیت مکانهای بی‌دفاع در برابر حمله

نظامی (ماده ۵۹). علاوه بر آن، نقض مقررات جنگ نباید بهانه‌ای برای محروم کردن افراد از حقوق مربوط به اسرای جنگی باشد. مقررات پروتکل دوم: ممنوعیت مجازاتهای دسته‌جمعی؛ ممنوعیت اقدامات تروریستی؛ ممنوعیت غارت؛ ممنوعیت تهدید به ارتکاب هر یک از اعمال فوق. افزون بر آن، پروتکل دوم ضمن تکرار ممنوعیت محکومیت و اعدام بدون محاکمه مندرج در ماده سه مشترک کنوانسیونهای ژنو، برخی تضمینهای قضایی را برمی‌شمارد که باید هنگام رسیدگی قضایی و مراحل دادرسی رعایت گردد. در تهیه این ماده، اساساً اصول مندرج در کنوانسیونهای دوم و چهارم ژنو ۱۹۴۹- بویژه میثاق حقوق مدنی و سیاسی- مورد توجه قرار گرفته است که تجاوز از ماده پنج آن حتماً اگر وضعیت اضطراری تهدیدکننده حیات ملت نیز پیش آید، مجاز نیست. به علاوه بر اساس ماده سیزده این پروتکل، حمله مستقیم به افراد و جمعیت‌های غیر نظامی ممنوع است و همچنین هدف حمله قرار دادن جمعیت غیر نظامی و اعمال خشونت‌باری را که هدف عمده آن، گسترش ترس و وحشت در میان جمعیت غیر نظامی باشد، ممنوع می‌کند. به موجب ماده چهارده به قحطی کشاندن جمعیت غیر نظامی، ممنوع است.^{۶۲}

مسئولیت بین‌المللی:

تحوّلات بنیادین هنجاری و ساختاری در زمینه حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی بویژه آن مواردی که به مرتبه «آمره» و «تعهدات عام‌الشمول جهانی» رسیده‌اند، مؤید این معناست که اجرای هنجارها و نرملهای مورد نظر به منزله تکلیف اولیه‌ای فرض می‌شود که اصولاً هیچ ارتباطی با جایگاه حقوقی طرفین مناقشه ندارد. اسرائیل در طول سالهای اشغالگری، به منظور تثبیت و تحکیم پایه‌های خود، همواره مرتکب نقض قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه شده است؛ رفتاری که از منظر حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه محکوم است. نقض قواعد حقوق بین‌المللی بشر دوستانه، که به حقوق عرفی تبدیل شده است، در حقیقت اقدامی علیه تمامی بشریت است و لذا جامعه بین‌المللی در مورد این

که وظیفه اصلی اش حفظ صلح و امنیت بین المللی است نتوانسته اند در چارچوب وظایف خود این رژیم را از ارتکاب این جرائم بازدارند.

۲- محکومیت مردمی رفتار رژیم صهیونیستی: این اقدام می تواند در جلوگیری از استمرار و گسترش نقض قواعد حقوق بین الملل کمک کند؛ بویژه اگر این مخالفت ها محدود به کشورهای منطقه نباشد. در هر صورت مخالفت های مردمی کافی نیست و نمی تواند جایگزین مسئولیت های دولتهای جهان در اجرای تعهدات عرفی و قراردادی کنوانسیونها و معاهدات حقوق بین المللی بشر دوستانه باشد.

۳- ارسال کمک های بشر دوستانه: ارسال کمک های بشر دوستانه به فلسطین و کمک به مردم تحت اشغال و ستم یکی از اقدامات مثبت جهانی است و کشورهای عرب و مسلمان و تمامی کشورهای جهان می توانند این کمک ها را به مردم فلسطین ارسال نمایند؛ ولی صرف نظر از اینکه ارسال این کمک ها در مرحله فعلی (به دلیل بسته بودن تمامی گذرگاه های غزه)، امکان پذیر نیست، مشکل را بصورت ریشه ای حل نخواهد کرد. علاوه بر آن باید گفت مسئولیت بین المللی بر طبق حقوق بین الملل و بویژه حقوق بین الملل بشر دوستانه فراتر از ارسال کمک های دارویی و غذایی است.

۴- مداخله بشر دوستانه: یکی از مهمترین تحولات دوران پس از جنگ سرد، محسوب می شود. در گذشته، هر گونه عملیات حفظ صلح سازمان ملل و همچنین اقدامات بین المللی صلیب سرخ جهانی، هنگام مناقشات مسلحانه داخلی، اساساً بر مبنای رضایت یا مذاکره و موافقت دولتهای مورد نظر صورت می پذیرفت. اما بر اساس اختیار شورای امنیت در مداخله اجباری در کشورهای دیگر، بر مبنای فصل هفتم منشور و در پاسخ به تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی، این شورایی چندین سال گذشته قطعنامه های مختلفی را صادر کرده و بر مبنای آنها توسل به قوای نظامی به منظور مداخله در امور داخلی کشورهای را توجیه و توصیه کرده است.^{۶۳} نوآوری شورای امنیت در زمینه توسعه اختیارات نیروهای حافظ صلح در سوماتالی شاید مهمترین اقدام آن شورا در این

اقدامات مسئولیت خطیری دارد و ضرورت دارد برای جلوگیری از استمرار آن چاره اندیشی کند. در این مورد پیشنهاد های متعددی مطرح می شود؛ همچنان که نمونه هایی در سالهای متمادی اشغال ارایه شده است. در ادامه به نحو خلاصه به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱- صدور قطعنامه توسط شورای امنیت و مجمع عمومی: شورای امنیت بعنوان مسئول حفظ صلح و امنیت بین المللی وظیفه دارد نسبت به وضع جاری در غزه و بلکه در تمامی فلسطین اشغالی حساس باشد و نقض صلح و امنیت توسط اسراییل را با حساسیت پیگیری و شجاعانه آنرا محکوم کند؛ ولی در طول سالهای اخیر با نفوذ ایالات متحده در این سازمان کمتر به این مهم جامه عمل پوشانده است. صرف نظر از این تقصیر در مرحله فعلی، در سالهای گذشته نیز علی رغم آنکه همواره نسبت به نقض این حقوق اخطارهای فراوانی را به رژیم صهیونیستی ارایه کرده، اما این اخطارها نتوانسته است مانع از استمرار تجاوزات و اقدامات ناقض عرف و حقوق بین الملل توسط این رژیم بشود؛ جنگهای متعدد، اشغالگری و آواره کردن مردم بی پناه و ساخت شهرک های صهیونیست نشین و تصاحب و مصادره اراضی و قتل عام و کشتارهای بی رحمانه، ترور، شکنجه، زندانی کردن، ساخت دیوار، مجازاتهای دستجمعی و عملکرد این رژیم در طول جنگ و دوران اشغال... نمونه هایی از این گونه رفتار ضد حقوق بین الملل بویژه حقوق بین الملل بشر دوستانه توسط این رژیم در طول ۶۰ سال گذشته است. این رژیم حتاً کنوانسیونهای لاهه که بر اساس دیدگاه اکثریت قریب به اتفاق حقوقدانان جهان به حقوق بین المللی عرفی تبدیل شده است را نادیده گرفته است. متأسفانه قواعد و مقررات حقوق بین الملل و معاهدات و کنوانسیونهای حقوق بین المللی بشر دوستانه و قطعنامه شورای امنیت و مجمع عمومی و دیگر مجامع بین المللی نتوانسته مانع از ادامه نقض فاحش حقوق بین الملل بشر دوستانه توسط این رژیم بشود و حتاً توافقنامه های امضا شده بین طرفین فلسطینی و اسراییلی نیز مانع استمرار این تجاوزات نشده است. مراجع رسمی بین المللی و در رأس آنها شورای امنیت بعنوان مهمترین نهاد بین المللی

۱۹۷۷ و کنوانسیون منع یا محدودیت استفاده از سلاحهای خاص معاهده ای ۱۹۸۰ و کنوانسیون منع تکمیل، تولید، ذخیره سازی و کاربرد سلاحهای شیمیایی و نابودسازی آنها و کنوانسیون منع ذخیره سازی، تولید و تجارت مینهای ضد نفر و منع استفاده و نابودسازی آنها در سال ۱۹۹۷ و اساسنامه دیوان بین المللی کیفری در سال ۱۹۹۸ و پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک در مورد کودکان سرباز در سال ۲۰۰۰ برخی از این معاهدات هستند.

<http://www.hamshahrionline.ir/hamnews/1382/820813/infor/-igoona.htm>

4. self - determination

5. According to B'Tselem, the Israeli information center for human rights in the occupied territories, Israel has, since 1967, established 152 settlements in the Gaza Strip and the West Bank, including East Jerusalem. The settlements were recognized by the Israeli Ministry of Interior even though they are illegal under international humanitarian law.

۶. قدیری، نیلوفر، روزنامه همشهری به نقل از سایت PINR

<http://www.hamshahrionline.ir/hamnews/1384/840623/world/-siasatw.htm>

7. <http://www.bashgah.net/pages-6212.html>

۸. دهقانی، محمود، حماس در نبردی دیگر، گروه مطالعات

خاورمیانه و خلیج فارس، تاریخ: ۱۳۸۵/۱/۲۸

۹. غزه دارای ۶ گذرگاه است که عبارتند از: گذرگاه رفح و گذرگاه

المنطار (کارنی) و گذرگاه بیت حانون (ایریز) و گذرگاه صوفا التجاری و گذرگاه کرم ابوسالم التجاری (کیریم شالوم) و گذرگاه ناحل عوز.

۱۰. قدیری، نیلوفر، روزنامه همشهری، به نقل از سایت PINR

<http://www.hamshahrionline.ir/hamnews/1384/840623/world/-siasatw.htm>

۱۱. محسن، خزائی، جنگ اقتصادی در نوار غزه، روزنامه ایران

<http://www.bashgah.net/pages-14504.html>

۱۲. روزنامه الحیاة، لندن، ۲۵/۳/۲۰۰۶.

13. <http://www.omidnews.ir/d.asp?id=29744>

14. <http://www.arabs48.com/display.x?cid=7&sid=25&id=43532>

15. <http://www.aljazeera.net/4/10/2007>

راستا محسوب شود. البته بررسی نمونه های تاریخی نشان می دهد در اغلب موارد انگیزه مداخله، ملاحظات سیاسی کشورهای مداخله گر بوده و کشورها بیشتر در جهت پیشبرد منافع سیاسی خود اقدام به مداخله نموده اند؛ این مداخله ها کمتر برای جلوگیری از نقض قواعد حقوق بین المللی بشر دوستانه صورت گرفته است. ۶۴

۵- اخراج اسرائیل از سرزمین های اشغالی: به نظر می رسد حل و فصل موضوع فلسطین و اخراج اشغالگران از سرزمین های اشغالی تنها راهی است که می تواند این مشکل را بصورت نهایی حل و فصل کند. تا زمانی که اشغال و اشغالگری وجود دارد، مشکلات مردم فلسطین نیز ادامه دارد؛ اقدامات پیش گفته اگر چه مقبول و بلکه در وضعیت فعلی ضروری است ولی عمل به مفاد اساسی حقوق بین الملل و بویژه از نوع بشر دوستانه آن نیست و به حل ریشه ای مشکل کمکی نخواهد کرد. صرفاً پایان یافتن اشغال می تواند به این وضع پایان دهد.

یادداشتها:

۱. رییس مرکز مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه

2. international humanitarian law (IHL).

۳. هنری دونان سوییسی در سال ۱۸۵۹ پس از مشاهده جنگی خونین بین فرانسه و اتریش در محلی به نام سولفرینو، تحت تأثیر قرار گرفت و با نگارش «خاطرات سولفرینو»، پیشنهاد تصویب یک معاهده بین المللی برای کاهش خشونت در جنگها را ارایه داد. لذا از سال ۱۸۶۴ که کنوانسیون ژنو به تصویب رسید تاکنون دهها کنوانسیون در این باره به تصویب رسیده است. اعلامیه سن پترزبورگ ۱۸۶۸ و کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه پیرامون عرفهای جنگ زمینی و تطبیق اصول کنوانسیون ژنو ۱۸۶۴ بر جنگهای دریایی و کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه برای بازبینی کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه و پروتکل ۱۹۲۵ ژنو در مورد منع کاربرد گازهای خفه کننده، سمی یا دیگر گازهای مشابه و کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو در مورد رفتار با اسرای جنگی و کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه و پروتکل ۱ و ۲ الحاقی به کنوانسیونهای ژنو ۱۹۴۹ برای حمایت از قربانیان در تمامی جنگها در سال

Territories are "occupied. (United Nations Security Council resolution 1544 (2004) (citing Israel's obligations as an "occupying Power" under international law and referencing the Territories as "occupied" since 1967); United Nations General Assembly resolution 58/292(2004) (affirming "that the status of the Palestinian Territory occupied since 1967, including East Jerusalem, remains one of military occupation) Tim Llewellyn, "The Story T.V. News Won't Tell", The Observer, June 20, 2004.

(<http://www.amin.org/look/amin/en.tpl?ldLanguage=1&ldPublication=7&NrArticle=14374&NrSection=1&NrSection=3>)

19. In July, 2004, the International Court of Justice Unanimously held that Israel occupies the West Bank, including East Jerusalem [See, International Court of Justice, Advisory Opinion, Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, 74-78 (2004) (recalling or reaffirming thirty seven times that the West Bank, including East Jerusalem, is occupied territory)" See also, Declaration of Judge Buergenthal to the Advisory Opinion, 2 (2004). Judge Buergenthal uses the term "Occupied Palestinian Territory" which is defined in the majority opinion as including East Jerusalem]. In the first independent legal ruling on Israel's activities since 1967, the Court held that "all these territories (including East Jerusalem) remain occupied territories and Israel has continued to have the status of occupying Power. "Tim Llewellyn, "The Story T.V. News Won't Tell", The Observer, June 20, 2004.

(<http://www.amin.org/look/amin/en.tpl/?ldLanguage=1&ldPublication=7&NrArticle=14374&NrSection=1&NrSection=3>)

20. The Israeli Supreme Court rules that the Palestinian Territories (excluding East Jerusalem) are "occupied" in an attempt to justify Palestinian land confiscations. Under the laws of occupation, the occupying power's military has the authority to temporarily confiscate land necessary to achieve security objectives. However, despite the ICJ's ruling that Israel's claim to mil-

۱۶. محسن، خزائی جنگ اقتصادی در نوار غزه، روزنامه-ایران
<http://www.bashgah.net/pages-14504.html>

17. The Hague Regulations of 1907 define occupied territory as "Territory... when it has actually been placed under the authority of the hostile army. The occupation only extends to the territory where such authority has been established and can be exercised." This definition represents customary international law and has been reaffirmed and expounded upon at the Nuremberg Tribunal in the Fourth Geneva Convention (1949) and in its First Additional Protocol (1979), in state practice, in United Nations' resolutions, and in the judgment of the International Court of Justice. Israel's military authority over the Palestinian Territories satisfies the basic criteria of "occupation" as defined by the Hague Regulations: Since 1967, the Israeli military has possessed both the ability to exercise authority and has in fact exercised that authority in the Palestinian Territories. (Tim Llewellyn, "The Story T.V. News Won't Tell", The Observer, June 20, 2004.

(<http://www.amin.org/look/amin/en.tpl?ldLanguage=1&ldPublication=7&NrArticle=14374&NrSection=1&NrSection=3>)

18. Since 1967, the International community has consistently held that Israel occupies the Palestinian Territories. United Nations Security Council resolution 242 called, in part, for Israel to immediately withdraw from territories it "occupied". [United Nations Security Council Resolution 242] Since then, the international community- including the United States [See, e.g., U.S. State Department Country Report on Israel and the Occupied Territories, 2003, released February 25, 2004, available at

<<http://www.state.gov/g/drl/rls/hrrpt/2003/27929.htm#occterr>>, last checked June 27, 2004 [referring to the West Bank, Gaza, and East Jerusalem as "occupied territories] - has consistently reaffirmed that the territories, including East Jerusalem, are "occupied". Indeed, both the U.N. Security Council and the General Assembly reiterated in May 2004 that the Palestinian

عالی اسرائیل:

[http:// www. tulkrm. net/modules. php? name= News & file= article & sid= 3763](http://www.tulkrm.net/modules.php?name=News&file=article&sid=3763)

29. There is No Legal Basis for the Israeli Argument that the Palestinian Territories are Not Occupied because they were Previously Occupied by "Illegitimate Sovereigns" Commentators such as Dore Gold, President of the Jerusalem Center for Public Affairs, contend that since Egypt and Jordan controlled the Gaza Strip and the West Bank, respectively, by way of an allegedly "illegal" war against Israel in 1948, Egypt and Jordan were what he terms "illegitimate sovereigns". Illegitimate sovereigns, argues Gold, may not claim that once illegitimately- held territory now under a legitimate sovereign's control is "occupied". Israel's displacement of Egypt and Jordan as occupying powers has no relevance to Israel's current status as an occupying power. [Only the United Kingdom and Pakistan recognized Jordan's annexation of the West Bank and East Jerusalem.] Despite Israeli claims that there is no legitimate sovereign over the Occupied Palestinian Territories [33], the true sovereign is the indigenous Palestinian population, whose right to self-determination on their land is affirmed under international law.

([http:// www. amin. org/ look/ amin/en. tpl? dLanguage= 1& IdPublication= 7& NrArticle= 14374 & NrIssue= 1 &NrSection= 3](http://www.amin.org/look/amin/en.tpl?dLanguage=1&IdPublication=7&NrArticle=14374&NrIssue=1&NrSection=3))

30. Defensive conquest

31. There is No Legal Basis for the Israeli Argument that the Palestinian Territories are Not Occupied because they were Occupied During a "Defensive" War. Most historians, including Israeli historians, dispute Israel's claim that its 1967 attack on Egypt, Jordan and Syria was "defensive". [See, e.g., Ardi Imseis, On the Fourth Geneva Convention and the Occupied Palestinian Territory, 44 Harvard Int'l L.J. 65, 79-84 (2003) (noting that most historians, including Israeli historians, believe that Israel's so-called preemptive strikes were not defensive; and quoting former Israeli General and Chief of Staff Yitzhak Rabin: "I do not be-

itary necessity is unconvincing, Israel Uses the argument of military necessity to further its political agenda. This is why illegal Israeli colonies (settlements) in the Palestinian Territories were first justified by Israel as "temporary security measures" - the same language used in 2004 to Justify the Wall. As early as 1979, the Israeli Supreme Court stated: "This is a situation of belligerency and the status of [Israel] with respect to the occupied territory is that of an Occupying Power". In 2002, the Israeli Supreme Court held yet again that the west Bank and Gaza Strip "are subject to a belligerent occupation by the State of Israel". In June, 2004, the Israeli Supreme Court reaffirmed that "since 1967, Israel has been holding [the West Bank] in belligerent occupation". Tim Llewellyn, "The Story T.V. News Won't Tell", The Observer, June 20, 2004.

([http:// www. amin. org](http://www.amin.org))

۲۱. ابراهیم شعبان، محاضر فی القانون فی جامعة القدس. قطاع غزة: إقليم محتل

22. [http:// www. jcpa. org/JCPA/ Templates/ ShowPage. asp? DBID= 1&LANGID= 1& TMID= 1118 & ID= 443 & PID= 0&IID= 2037](http://www.jcpa.org/JCPA/Templates/ShowPage.asp?DBID=1&LANGID=1&TMID=1118&ID=443&PID=0&IID=2037)

23. [http:// www. tulkrm. net/modules. php? name= News& file=article & sid=3763](http://www.tulkrm.net/modules.php?name=News&file=article&sid=3763)

۲۴. عزیزی، ستار، کنوانسیون چهارم ژنو و سرزمین های اشغالی فلسطین، برگردان مقاله آردی آمسیز در مجله حقوق

بین الملل دانشگاه هاروارد، شماره ۴۴، سال ۲۰۰۳
[http:// internationallaw. blogfa. com/post-32.aspx](http://internationallaw.blogfa.com/post-32.aspx)

۲۵. ابراهیم شعبان، محاضر فی القانون فی جامعة القدس. قطاع غزة: إقليم محتل

[http:// www. amin. org/ look/ amin/ article. tpl? IdPublication= 7&NrIssue= 1&Nr Section= 2&Nr Article= 4245& IdLanguage= 17](http://www.amin.org/look/amin/article.tpl?IdPublication=7&NrIssue=1&NrSection=2&NrArticle=4245&IdLanguage=17)

26. [http:// www. tulkrm. net/modules. php?name= News & file= article & sid= 3763](http://www.tulkrm.net/modules.php?name=News&file=article&sid=3763)

27. Issing reversioner

۲۸. در مورد جنگ دفاعی و اولویت حاکمیت اسرائیل بر مصر و اردن مراجعه کنید به: مئیر شمعار مشاور حقوقی موشه دایان وزیر جنگ اسبق رژیم صهیونیستی و همچنین رییس دادگاه

guage= 1 & IdPublication= 7& Nr Article= 14374 & NrSection=3)

37. A treaty is void if, at the time of its conclusion, it conflicts with a peremptory norm of general international law. for the purposes of the present Convention, a peremptory norm of general international law is a norm accepted and recognized by the international community of States as a whole as a norm from which no derogation is permitted and which can be modified only by a subsequent norm of general international law having the same character.

(http://en.wikipedia.org/wiki/Peremptory_norm)

38. [http://www.amin.org/look/amin/article.tpl?IdPublication=7 & NrIssue= 1& Nr Section= 2& NrArticle= 42454 & Id Language= 17](http://www.amin.org/look/amin/article.tpl?IdPublication=7&NrIssue=1&NrSection=2&NrArticle=42454&IdLanguage=17)

39. "Statements by the Government of Israel that the withdrawal ended the occupation of Gaza are grossly inaccurate. Even before the commencement of "Operation Summer Rains", Gaza remained under the effective control of Israel".

۴۰. قدیری، نیلوفر، روزنامه همشهری به نقل از سایت PINR <http://www.hamshahronline.ir/hamnews/1384/840623/world/-siasatw.htm>.

41. The law of occupation still applies to the Gaza Strip, with relevant adaptations. Israel's specific positive IHL obligations towards the civilian population, such as the active duty to ensure public order inside the Gaza Strip, are as a result of the disengagement, limited. This can be compared with Israel's IHL responsibilities in areas that are designated as areas A and B in the West Bank under the Oslo Agreements. However, the adaptation of the level of responsibility does not change the status of the territory as occupied. ICRC as well as other international bodies such as the UN and the EU did not state any status change of the Gaza Strip. Even during the period from the Israeli military troops' withdrawal from the Gaza Strip in September 2005 until "Operation Summer Rains" in 2006, there has been a consensus amongst the international community that Israel, Regardless of the specific question on applicability of the laws of occupation, con-

lieve that Nasser wanted war. The two divisions he sent into the Sinai... would not have been enough to unleash an offensive against Israel. He knew it and we knew it.")]. However, the point is moot for purposes of deciding whether Israel occupies the Palestinian Territories: no concept of territorial conquest, whether defensive or offensive, exists under international law. International law prohibits the acquisition of territory by force [See, e.g., United Nations Charter, Chapter 1, Article 2, Paragraph 4 (1945) (affirming that "[a]ll members shall refrain in their international relations from the threat or use of force against the territorial integrity or political independence of any state, or in any other manner inconsistent with the Purposes of the United Nations.")]. Otherwise, nations waging war to acquire territory would simply do as Israel is doing: characterize offensive campaigns as "defensive". Tim Llewellyn, "The Story T.V. News Won't Tell", The Observer, June 20, 2004.

([http://www.amin.org/look/amin/en.tpl?IdLanguage= 1&IdP ublication= 7 & Nr Article= 14374& NrSection=3](http://www.amin.org/look/amin/en.tpl?IdLanguage=1&IdPublication=7&NrArticle=14374&NrSection=3))

۳۲. عزیزی، ستار، کنوانسیون چهارم ژنو و سرزمین‌های اشغالی فلسطین، برگردان مقاله آردی آمسیز در مجله حقوق بین الملل دانشگاه هاروارد، شماره ۴۴، سال ۲۰۰۳ <http://internationallaw.blogfa.com/post-32.aspx>

33. Self - executive

۳۴. عزیزی، ستار، کنوانسیون چهارم ژنو و سرزمین‌های اشغالی فلسطین، برگردان مقاله آردی آمسیز در مجله حقوق بین الملل دانشگاه هاروارد، شماره ۴۴، سال ۲۰۰۳ <http://internationallaw.blogfa.com/post-32.aspx>

35. [http://www.tulkrm.net/modules.php? name= News& file= article & sid= 3763](http://www.tulkrm.net/modules.php?name=News&file=article&sid=3763)

36. The International Court of Justice, the Israel Supreme Court, the United Nations and the international community, have all held that Israel occupies the Palestinian Territories even after the signing of the Oslo Accords. Tim Llewellyn, "The Story T.V. News Won't Tell", "The Observer, June 20, 2004.

([http://www.amin.org/look/amin/en.tpl?IdLan-](http://www.amin.org/look/amin/en.tpl?IdLanguage=1&IdPublication=7&NrArticle=14374&NrSection=3)

akonia has issued a legal notice, posted on our International Humanitarian Law website, concluding that the opening of the Rafah border between Gaza and Egypt does not change the status of the Gaza Strip as occupied by Israel. In its capacity as the occupying power, Israel still has the obligation to ensure the welfare of the Gaza population, including guaranteeing the availability of food, medicine, fuel and water supplies. Israel still occupies the Palestinian territory and people, with the obligation to safeguard their humanitarian situation.

(<http://www.diakonia.se/sa/node.asp?node=2240>)

47. International law authorizes Israel to initiate military countermeasures in Gaza. If Gaza is seen as having independent sovereignty, Israel's use of force is permissible on the grounds of self-defense. If Gaza is seen as lacking any independent sovereignty, Israel's use of military force is permissible as in other non-international conflicts. The rule of "distinction" includes elements of intent and expected result: so long as one aims at legitimate targets, the rule of distinction permits the attack, even if there will be collateral damage to civilians. The rule of "proportionality" also relies upon intent. If Israel plans a strike without expecting excessive collateral damage, the rule of proportionality permits it. Israeli attacks to date have abided by the rules of distinction and proportionality. Israel's imposition of economic sanctions on the Gaza Strip is a perfectly legal means of responding to Palestinian attacks. Since Israel is under no legal obligation to engage in trade of fuel or anything else with Gaza, or to maintain open borders, it may withhold commercial items and seal its borders at its discretion. The bar on collective punishment forbids the imposition of criminal-type penalties to individuals or groups on the basis of another's guilt. None of Israel's actions involve the imposition of criminal-type penalties. There is no legal basis for maintaining that Gaza is occupied territory. The Fourth Geneva Convention refers to territory as occupied where the territory is of a state party to the convention and the occupier "exercises the

continues to be legally responsible for protected persons that live in the Gaza Strip under general provisions of international humanitarian law (IHL). <http://www.diakonia.se/sa/node.asp?node=842>

42. Effective Control

43. The Palestinian Territories Continue to be Occupied Pursuant to the Hague Conventions. Israel maintains effective military control over the Palestinian Territories even after the signing of the Oslo Accords, thus satisfying the test for occupation set out in the Hague Regulations. Following the signing of the Oslo Accords, the Israeli military continued land confiscation and nearly doubled the population of its illegal colonies. Israel continued building bypass roads and infrastructure, restricted Palestinian movement and frequently conducted military operations in and around the areas in which it had putatively ceded control. Tim Llewellyn, "The Story T.V. News Won't Tell" The Observer, June 20, 2004.

(<http://www.amin.org/look/amin/en.tpl?ldLanguage=1&ldPublication=7&NrArticle=14374&NrIssue=1&NrSection=3>)

44. On 23 January 2008, Gazans broke down the iron wall that stands on the border between Gaza and Egypt at Rafah and reportedly around 750,000 Gazans visited the Egyptian towns of Rafah and al-Arish on the other side to buy essentials such as food and fuel. The Rafah action came after a week of particularly strong Israeli actions against Gaza (leaving around 40 dead and 130 injured) and an almost complete closure of the Strip to fuel, medicine and food. Hospitals cut down operations and fresh water supplies as well as sewage systems came to a halt while Israeli military actions, including targeted killings, intensified.

(<http://www.diakonia.se/sa/node.asp?node=2240>)

45. Immediately after the wall at Rafah was broken down, Israeli government officials stated that Gaza was now "Egypt's responsibility".

<http://www.diakonia.se/sa/node.asp?node=2240>

46. As a response to statements from some Israeli officials that Gaza is now "Egypt's responsibility", Di-

مبارزه با تروریسم - ایان انستون - علیرضا ابراهیم گل،
lan Johnstone, The Plea of "Necessity" in International
Legal Discourse: Humanitarian Intervention and counter
- terrorism, Columbia Journal of Transnational
Law, Vol. 43, No. 2, 2005, pp. 337-388.

<http://www.iranbar.org/pmm1998.php#40>

۵۲. ابراهیم شعبان، محاضر فی القانون فی جامعة القدس. قطاع

غزة: إقليم محتل

<http://www.amin.org/look/amin/article.tpl?ldPublication=7&NrIssue=1&NrSection=2&NrArticle=42454&ldLanguage=17>

53. <http://www.alzaytouna.net/arabic/?c=201&a=54262> (الحياة الجديدة ۲۰۰۷/۱۱/۲۰)

54. <http://www.guardian.co.uk/world/2007/sep/20/israel1>

55. Collective punishment against the civilian population in Gaza on 19 September 2007, the Israeli security cabinet declared the Gaza Strip a "hostile territory" and decided to cut off electricity and fuel in response to Palestinian armed groups launching Qassam rockets towards southern Israeli towns. (<http://www.diakonia.se/sa/node.asp?node=842>)

۵۶. ابراهیم شعبان، محاضر فی القانون فی جامعة القدس. قطاع

غزة: إقليم محتل

<http://www.amin.org/look/amin/article.tpl?ldPublication=7&NrIssue=1&NrSection=2&NrArticle=42454&ldLanguage=17>

57. <http://www.alzaytouna.net/arabic/?c=201&a=54262> (الحياة الجديدة ۲۰۰۷/۱۱/۲۰)

58. A "...territory is considered occupied when it is actually placed under the authority of the hostile army. The occupation extends only to the territory where such authority has been established and can be exercised". (Article 42 of the Hague Regulations.)

(http://en.wikipedia.org/wiki/Military_occupation)

59. Palestinians are a people under occupation who has the right to selfdetermination under the UN Charter, the Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States in Accordance with the Charter of the United

functions of government" in the territory. Gaza is not territory of another state party to the convention and Israel does not exercise the functions of government in the territory. The fighting in Gaza has been characterized by the extensive commission of war crimes, acts of terrorism and acts of genocide by Palestinians, while Israeli countermeasures have conformed with the requirements of international law. international law requires states to take measures to bring Palestinian war criminals and terrorists to justice, to prevent and punish Palestinian genocidal efforts, and to block the funding of Palestinian terrorist groups and those complicit with them. (by Abraham Bell Published January 2008 Vol. 7, No. 29, 28 January 2008

<http://www.jcpa.org/JCPA/Templates/ShowPage.asp?DBID=1&LNGID=1&TMID=111&FID=378&PID=0&IID=2021>)

۴۸. رجوع کنید: د. انیس فوزی قاسم:

<http://www.tulkrn.net/modules.php?name=News&file=article&sid=3763>

۴۹. دفاع «ضرورت» در گفتمان حقوقی بین المللی: مداخله بشر دوستانه و مبارزه با تروریسم - ایان انستون - علیرضا ابراهیم گل

lan Johnstone, The Plea of "Necessity" in International Legal Discourse: Humanitarian Intervention and Counter - terrorism, Columbia Journal of Transnational Law, Vol. 43, No. 2, 2005, pp. 337-388.

<http://www.iranbar.org/pmm1998.php#40>

50. The Plea of "Necessity"

۵۱. دیوان بین المللی دادگستری در قضیه (۱۹۹۷)

Gabacikovo- Nagymaros و در رای مشورتی در قضیه «ساخت دیوار» (۲۰۰۴) اظهار داشت که دفاع «ضرورت» در حقوق بین الملل وجود دارد. کمیسیون حقوق بین الملل در آگوست ۲۰۰۱ پیش نویس مواد راجع به مسئولیت دولت از بابت اعمال متخلفانه بین المللی را تصویب کرد. یکی از مواد آن به ضرورت بعنوان «شرایطی که می تواند متخلفانه بودن يك فعل را مستثنی کند» اشاره دارد. مجمع عمومی در همان سال این پیش نویس را جهت مطالعه برای دولتها ارسال کرد. (دفاع «ضرورت» در گفتمان حقوقی بین المللی: مداخله بشر دوستانه و

62. Roland Otto Neighbours as human shield? The Israel Defense Forces' "Early Warning Procedure" and international humanitarian law RICR Décembre IRRC December 2004 VOL. 86 NO 856

۶۳. در مورد مداخله بشردوستانه مراجعه کنید به: رشیدی نژاد، زینب، موازین و مرزهای مداخله بشردوستانه در رویه شورای امنیت، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری شماره سی و هفتم، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲-۶۳

۶۴. مداخله فرانسه و روسیه برای پایان دادن به جنگ‌های یونان و ترکیه- سال ۱۸۲۷ و فرانسه به منظور کمک به مارونی‌های لبنان- سال ۱۸۶۱ و در ارمنستان برای کمک به ارمنی‌ها- سال ۱۸۹۶ و به نفع یهودیان روسی- سال ۱۹۰۲ و دولتهای اروپایی برای حمایت از مسیحیان بوسنی و بلغارستان- سالهای ۱۸۷۷-۱۸۷۷ و هند در پاکستان شرقی برای نجات مردم بنگال- سال ۱۹۷۱ و تانزانیا در اوگاندا برای کمک به مردم اوگاندا در ژانویه- سال ۱۹۷۹ و ویتنام در کامبوج برای پایان دادن به جنایتهای خمرهای سرخ- سال ۱۹۷۸ و در عراق بر اساس قطعنامه ۶۸۸ برای ایجاد منطقه امن در شمال این کشور برای حمایت از کردهای آن- سالهای ۱۹۹۰-۱۹۹۱ و صدور قطعنامه ۷۷۰ برای مداخله به دلیل پاکسازی قومی در بوسنی- آوریل ۱۹۹۲ و مداخله در سومالی و صدور قطعنامه ۷۹۴ شورای امنیت- سال ۱۹۹۲ و ناتو در کوزوو در ۲۴ مارس ۱۹۹۹ در پی صدور قطعنامه ۱۱۹۹ در ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۸ و اعزام نیروهای حافظ صلح برای ایجاد مناطق امن در رواندا در پی قطعنامه‌های ۸۷۲ و ۹۲۵ شورای امنیت- ۸ ژوئن ۱۹۹۴ و مداخله فرانسه در رواندا برای ایجاد مناطق امن در این کشور بر اساس قطعنامه ۹۲۹ بدلیل کشتار غیر نظامیان و اعزام نیرو به سیرالئون برای محاکمه نقض کنندگان حقوق بشردوستانه- ۱۰ مارس ۲۰۰۴ نمونه‌هایی از مداخله بشردوستانه است.

<http://www.mehrdel.blogfa.com/post-4.aspx>

Nations from 1970, and Article 1 of both the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights and the International Covenant on Civil and Political Rights.

(<http://www.diakonia.se/sa/node.asp?node=1131>)

60. The legal analysis mainly differs as to whether the presence of land troops inside the territory is a necessary requirement for obtaining control in order to legally consider a territory occupied. The presence of land troops has traditionally been a requirement to identify a territory as occupied. However, the test of "effective control" should, in light of modern technology and new means of maintaining control, take into account all kinds of control exercised over a territory both military control and control over civilian life. Despite the withdrawal of military troops in 2005, there are ongoing as well as new measures of Israeli military and administrative control in the Gaza Strip, which amount to "effective control". Therefore, the withdrawal of Israeli troops alone does not turn the occupied territory into unoccupied. It is important to note that facts on the ground define the legal situation. Israel maintain its effective control over the Gaza Strip by different means, such as control over air space, sea space and the international borders. In addition, Israeli military troops are present in the Gaza Strip since "Operation Summer Rains" in June 2006. Therefore the law of occupation still applies to the Gaza Strip, with relevant adaptations. (<http://www.diakonia.se/sa/node.asp?node=842>)

61. To the fullest extent of the means available, the occupying power must ensure sufficient hygiene and public health standards, as well as the provision of food and medical care to the population under occupation (article 55 IVGC and article 56 IVGC). (<http://www.diakonia.se/sa/node.asp?node=946>)